

فروشگاه ، بزرگترین سایت تخصصی معماری

جهت مشاهده آموزش نرم افزارهای معماری از صفر تا ۱۰۰ با زبان فارسی و با

کمترین هزینه [اینجا](#) را کلیک کنید.

جهت مشاهده نقشه ها ، پایان نامه و طرح های نهایی آماده معماری جهت کانسپت

گرفتن و یا تحویل پروژه [اینجا](#) را کلیک کنید.

جهت مشاهده مقالات ، رسالات و مطالعات نهایی آماده معماری جهت تحویل

پروژه [اینجا](#) را کلیک کنید.

بزرگترین سایت تخصصی معماری WWW.CADYAR.COM

جهت عضویت در کانال ما در تلگرام کافیسیت روی عکس زیر کلیک کنید.

برای انجام پروژه های عمران و معماری با ما تماس بگیرید.

۰۹۹۰۷۵۳۰۹۲۰



آیدی تلگرام

<https://t.me/Cadyar>

آیدی تلگرام

<https://t.me/Cadyarmemar>

Vrya.cadyar@gmail.com

جهت مشاهده مطالب زیر به صورت رایگان کافیسیت روی لینک روبرو عنوان موردنظر کلیک کنید

[HTTP://WWW.CADYAR.COM/?CAT=473](http://WWW.CADYAR.COM/?CAT=473)

دانلود رایگان کتب معماری

[HTTP://WWW.CADYAR.COM/?CAT=262](http://WWW.CADYAR.COM/?CAT=262)

آموزش رایگان پست پروداکشن در معماری

[HTTP://WWW.CADYAR.COM/?CAT=1377](http://WWW.CADYAR.COM/?CAT=1377)

دانلود رایگان مقالات معماری

[HTTP://WWW.CADYAR.COM/?CAT=206](http://www.cadyar.com/?CAT=206)

دانلود رایگان نقشه های معماری

[HTTP://WWW.CADYAR.COM/?CAT=1300](http://www.cadyar.com/?CAT=1300)

دانلود رایگان رساله و مطالعات معماری

[HTTP://WWW.CADYAR.COM/?CAT=283](http://www.cadyar.com/?CAT=283)

آموزش رایگان نرم افزار های معماری

جهت مشاهده مطالب کاربران مهمان که مطالب خود را به صورت رایگان و یا در قبال هزینه به اشتراک گذاشته اند در سایت کدیاری [اینجا](#) کلیک کنید.

شما نیز میتوانید مطالب خود را در سایت کدیاری به اشتراک بگذارید تا بدون هیچ هزینه ای صاحب شغل دوم شوید. جهت اشتراک گذاشتن مطالب خود [اینجا](#) را کلیک کنید.

جهت دریافت هرگونه رساله و مطالعات معماری با قیمت پایین با ما تماس بگیرید.

۰۹۹۰۷۵۳۰۹۲۰

قسمتی از کاملترین رساله طراحی میدان
زیستگاه همراه با نقشه در 151 صفحه در
قالب ورد:

. فصل دوم: روند مطالعه

برای تحقق پیش زمینه مناسب با توجه به بستر موجود؛ ابتدا شناخت دقیق بستر موجود ضروری به نظر می رسد که چنین امری بدون تبیین نقاط قوت و ضعف آن امکان پذیر نمی باشد. سطور پیش رو منتخبی از پرونده ایست با عنوان "دلایل توسعه نیافتگی ایران" که در مجله نسیم بیداری به طبع رسیده است. که در این پرونده، عمده ترین "دلایل توسعه نیافتگی ایران" را "عدم وجود فضای عمومی"، "عدم وجود فضای دموکراتیک"، "نبود اقتصاد آزاد" و ... می داند.

۱-۲. دلایل توسعه نیافتگی ایران

توسعه بومی چیزی بیش از یک التقاط نیست
حسین سخنور

برخی از سرشیفتگی غرب حکم به فرنگی شدن سنت ایرانی و اسلامی تا مغز استخوان می‌دهند و در مقابل، عده ای آن را یکسره نفی می‌کنند و پذیرش توسعه غربی را معادل زوال و انحطاطی می‌دانند که درکمین خود غرب نیز نشسته است. مهدی نصیری، از جمله منتقدین سرسخت مدرنیته قائل به عدم تفکیک و تجزیه تمدن جدید و توسعه غربی است و آن را کلیتی با روح و جان واحد می‌بیند و تخطئه و جوهری و تصویب ابعادی دیگر از تجدد را غیر واقعی و اشتباه می‌داند. بر این اساس است که در کتاب «اسلام و تجدد» اش، حتی دیدگاه های امثال سید جمال الدین اسدآبادی را هم به نقد می‌کشد و از جمع توسعه و دین سرباز می‌زند. سردبیر اسبق روزنامه کیهان و ماهنامه صبح، توسعه درحد ضرورت را محصول تعالیم انبیاء می‌داند و بیش از آن را زائد و آسیب زا. بخشی از نقدهای نصیری بر توسعه غربی و مدل جایگزین و مطلوب در دستگاه فکری وی درگفت وگویی ذیل آمده است.

- جنابعالی سیر پیشرفت و فنون و ابزارها را رد کرده و معتقدید توسعه به منظور تسخیر طبیعت، مطلوب دین نیست. در این صورت، امکان عقب ماندگی جوامع دینی وجود ندارد؟

حرف بنده اجمالاً این است که معماران تمدن بشری تا قبل از دوران مدرن، انبیاء الهی بوده اند. و این تمدن در همان هزاره اول آفرینش حضرت آدم علیه السلام با افزایش جمعیت انسان ها، تقریباً شکل کامل خود را پیدا می‌کند. و ما از آن دوره تا دوران مدرن با نوسانات و تحولات ابزاری و تمدنی بسیار اندکی مواجه هستیم. در واقع آنچه در تاریخ تمدن نگاری های مدرن با عنوان تحول ابزاری و اعصار حجر و مفرغ آهن از آن یاد می‌شود، سندیتی نداشته و از جعلیات تاریخ نگاری دوران مدرن است.

به عبارت دیگر بر خلاف تصور عموم افراد، تمدن و ابزارها و ساختارها و علوم تمدنی تاپیش از دوران مدرن، محصول تجربه شخصی بشر در یک سیر تدریجی نیست، بلکه محصول تعالیم و دخالت مستقیم انبیا است و بر این اساس می‌توانیم بگوییم آنچه انبیاء ارائه کردند، کامل و متناسب با فطرت و نیازهای واقعی انسان ها بوده است. به همین دلیل هم بوده است که انبیاء بعد از حضرت آدم و چند پیامبر اولیه درصدد توسعه تمدنی برنیامدند و درآموزه های دینی

^۱ مهدی نصیری متولد ۱۳۴۲ در دامغان، روزنامه‌نگار، نویسنده و پژوهشگر علوم دینیست و سردبیر و مدیر مسئول هفته‌نامه صبح و روزنامه کیهان بوده و اکنون نشریه سمات را در دست انتشار دارد.

ماهم هیچ توصیه ای به توسعه تمدنی و تحول ابزاری نیست و دقیقاً به همین دلیل است که شما تا دوران مدرن می بینید که تمدن، روندی ثابت و یکسان دارند. مثلاً براساس گزاره های تاریخی، حضرت آدم زمین را با گاوآهن شخم می زد و این ابزار تا دوران مدرن که تراکتور می آید، همچنان کاربرد خود را دارد. همانطور که فی المثل ما در مرکب تحول نداریم و مرکب انسان ها از زمان آدم بوده تا دوره اختراع ماشین، اسب و استر و الاغ بوده است. با این مقدمه خیلی کوتاه عرض می کنم که آنچه در دوران مدرن رخ میدهد، یک انحراف از مسیر تمدنی انبیاء بوده است.

بشر مدرن با تغییر درنگاه کلان خود به انسان و طبیعت و دنیا و زندگی به سمت اقتدار علمی و ابزاری برای غلبه بر طبیعت و کسب ثروت و رفاه بیشتر برآمد که محصول آنها، بعد از چند قرن، تمدن مدرن موجود شد؛ تمدنی که بر آیند نهایی آن به هیچ وجه به نفع بشریت نبوده است و انواع بحران های بی سابقه برای بشر کنونی و آینده ایجاد کرده است. از همین منظر است که بنده تمدن کنونی و مدل های توسعه رایج را دینی نمی دانم. البته این که این تمدن و توسعه را داشته باشیم، به اختصار حرفم این است که ما تقریباً گریزی از پذیرش بسیاری از ساختارها و مناسبات این تمدن نداریم - همانطور که در عمل می بینیم که آنها را پذیرفته ایم - و اساساً تا سیطره مدرنیته به کلی زایل نشود، امکان ساخت تمدنی دیگر مثلاً تمدنی با ساختارهای دینی حتی در کمتر از پنجاه - شصت درصدی وجود ندارد و ما تنها میتوانیم کاملاً نسبی و محدود دست به برخی اصلاحات بزنیم. در واقع مدرنیته در بسیاری از موارد ما را بر سر دوراهی - های بد و بدتر قرار داده است که ما باید خردورزی کنیم و راه بد را انتخاب کنیم.

حالا در مورد مسأله عقب ماندگی باید عرض کنم که اولاً در اصل و اساس، بنده مدرنیته را پیشرفت و کمال نمی دانم تا این که نرسیدن به آن را عقب ماندگی بدانم، ثانیاً به دلیل آن که قائل به پذیرش اضطراری مدرنیته هستم و نفی مطلق آن را در شرایط کنونی ممکن و مطلوب نمی دانم، راه را بر اداره جامعه بر اساس ضرورت های تمدنی کنونی نبسته ام و معتقدم ما می توانیم و گریزی نداریم که با مدل های توسعه ای رایج جامعه را اداره کنیم، اما باید درصدد باشیم که هر جا امکان اصلاح حتی نسبی وجود دارد و می توان از آفات مدرنیته کاست، این کار را انجام دهیم.

در هر صورت، توصیه بنده نه تسلیم مطلق به مدرنیته و ساختارهای تمدنی آن است و نه توهم مبارزه مطلق با آن و سودای استقرار تمدنی تراز دینی و اسلامی. استقرار تمدنی تراز دین و اسلام، اگرچه

یک آرزو و آرمان بزرگ است. اما عواملی چند از جمله غیبت امام معصوم علیه السلام و سیطره هولناک تمدن الحادی مدرن ما را از دست یابی به این آرزو محروم کرده و وسع ما را برای اصلاح، کاملاً نسبی و محدود نموده است؛ اگرچه همین مقدار نسبی و محدود هم در دنیای فلک زده امروز می تواند بسیار مهم و تأثیرگذار باشد و طبعاً ارزش هرگونه تلاش و مبارزه و حرکت سیاسی و فرهنگی و اجتماعی را دارد اساساً این نگاه که بگوییم حتماً وسع ما برای اصلاح باید حداکثری باشد و ارزش انقلاب و حکومت و شهادت و مبارزه را داشته باشد، اشتباه است. ما در هر شرایطی به اندازه وسع و توانایی هایمان مکلف به اصلاح هستیم، نه بیشتر و نه کمتر.

- شما از محدود افرادی هستید که سودمندی توسعه غربی در امور مادی و رفاهی را هم به نقد میکشید و حتی نظریه «تفصیل و تفکیک» را نیز به دلیل انفعال در برابر غرب رد می کنید و نتیجه توسعه غربی را بحران های زیست محیطی، سلامت، تغذیه و امنیت می دانید. اولاً آیا بحران های یاد شده، ذات یمدل توسعه غربی هستند؟ ثانیاً آیا در مدل جایگزینی مبتنی بر غیب و وحی، این معضلات بروز نخواهند کرد؟

بله بحران های یاد شده ذاتی و از لوازم غیر قابل انفکاک توسعه غربی و تمدن مدرن است و گریزی از آنها نیست و حتی به نظر می رسد بشر مدرن، راهی نیز برای بازگشت باقی نگذاشته و پل های پشت سر خود را خراب کرده است. اما در مورد مدل جایگزین اگر منظور مدلی تراز دین و اسلام است، عرض کردم که این مدل جز با حضور امام معصوم علیه السلام که با اضمحلال تمدن ویران گر مدرن همراه خواهد بود، محقق نخواهد شد. اما اگر منظور مدلی اسلامی و دینی به طور نسبی و در حدی محدود باشد، که البته در قیاس با دیگر الگوهای تمدنی موجود مزایای چشم گیری می تواند داشته باشد، آن را ممکن و شدنی می دانم. همانگونه که بسیاری از مزایای آن در نظام مبارک جمهوری اسلامی ایران شاهدیم.

- در مدرنیزاسیون، سنت چه جایگاهی دارد؟ نسبت توسعه با مدرنیسم چیست؟

مدرنیته یکسره ضد سنت اعم از سنت های دینی و نیز برخی سنت های قومی و نه الزاماً دینی بوده است. مدرنیته یکسره بدعت یعنی فاقد ریشه و ثبات و دوام و حکمت بوده است. مدرنیته تجربی علمی و عملی بشر کاملاً سطحی و دنیا زده و اعراض کننده از ذکر الهی بوده است که تصمیم گرفت کل تاریخ گذشته بشری را که مملو از تعالیم الهی و انبیایی بود، اگر چه در موارد بسیاری ناقص و تحریف شده، تحقیر کند و کنار بگذارد و راهی نو بر اساس اومانیسم و انسان محوری بگشاید. و اما واکنش خداوند و پروردگار جهان در قبال این رویداد

و این اعراض از ذکر چه بوده است؟ باور کردنی نیست. اما بر اساس سنن الهی واقعیت دارد: گشودن همه درهای قدرت و ثروت به سوی دنیای مدرن و این تا سرمستی کامل تمدن مدرن ادامه خواهد یافت. و آنگاه عذاب الهی نازل خواهد شد: به این آیه ۴۴ سوره انعام توجه کنید؛ می گوید «فلما نسوا ما ذکرنا به فتحنا علیهم ابواب کل شیء حتی اذا فرحوا بما اوتوا اخنا هم بغته فذا هم مبلسون؛ پس چون آنچه را که بدان پند داده شده بودند فراموش کردند، درهای هر چیزی (از قدرت و ثروت و...) را بر آنان گشودیم؛ تا هنگامی که به آنچه داده شده بودند شاد گردیدند ناگهان [گریبان] آنان را گرفتیم، و یکباره نومید شدند.»

در منطق قرآن به هیچ وجه قدرت و ثروت دلیل بر کمال و حقانیت نیست و بلکه ممکن است به دلیل طغیان و اعراض از حق باشد که مکر الهی را در پی دارد.

در پاسخ به بخش دوم سوال شما هم باید بگویم که توسعه به یک معنا همان مدرنیسم است و اساساً تا پیش از دوران مدرن، بشر سودای توسعه به مفهوم تحول مستمر ابزاری و تمدنی و ترقی از یک وضعیت به وضعیت دیگر نداشته است. و البته عناوینی چون عمران و آبادی که در قرآن واحادیث هم به آن اشاره شده است، مفهوم و ماهیتی غیر از توسعه و ترقی و پیشرفت به مفهوم امروزی آن دارد.

- آیا میتوان تعریف متمایز و مشخصی از مفاهیم «توسعه ایرانی» یا «مدرنیته ایرانی» ارائه داد؟ به عبارت دیگر، آیا توسعه مبتنی بر مدرنیته، یک الگوی همه گیر و یکسان است، یا میتوان تصویری از توسعه بومی داشت؟

مدرنیته در هر جا که باشد، ذاتیات و عرضیات خود را خواهد داشت. البته اینکه بین مدرنیته با برخی از سنت های دینی و یا قومی تلفیقی صورت بگیرد، امری شدنی است، همانگونه که الان شاهد آن هستیم و این همان امکان نسبی و محدودی است که ما برای اصلاح در وضعیت غلبه مدرنیته می توانیم داشته باشیم. توسعه بومی هم چیزی بیش از یک التقاط نمی تواند باشد، اگرچه ممکن است ضروری باشد و فواید نسبی خود را داشته باشد.

- از آنجایی که شما معتقدید با فرض حضور حاکمیت دین به معنای جامع و حقیقی آن هرگز تمدنی از نوع جدید، ظهور نمی کرد و با حضور معصوم (ع) و بسط ید او، تمدن دیگری شکل می گرفت. آیا مدل اسلامی پیشرفت قابل طراحی است و چگونه می توان آن را ترسیم کرد؟

این مدل با ظهور حضرت مهدی علیه السلام شکل کامل خود را خواهد یافت و محقق خواهد شد. البته اکنون نیز میتوان با استفاده از مبانی دینی و آموزه های قرآنی و روایی، بسیاری از مشخصات و ابعاد

و زوایای این الگو و مدل را ترسیم کرد، اگرچه با وجود غلبه مدرنیته و شوره زار تمدنی ای که ایجاد شده است، تحقق مطلوب آن میسر نباشد.

- آیا ضرورت پذیرش و تحقق توسعه و تجدید دینی، با نفی همه آثار و تبعات تجدید فعلی همراه است؟ این کار ممکن و مطلوب است؟ فکر می‌کنم با توجه به پاسخ‌های قبلی جواب این سوال هم روشن شده باشد. اما به بیان دیگر، عرض می‌کنم که الگوی تمدنی دین از اساس با الگوی کنونی توسعه که مبتنی بر مدرنیته است، تفاوت دارد. اما این که الان این الگو به طور مطلوب و دریک ترازا ایده آل قابل تحقق است، خیر. تا وقتی که غلبه و سیطره مدرنیته ادامه دارد، ما وسع محدودی برای اصلاح و تحول بر اساس مبانی دینی داریم.

۲-۱-۲. موسی غنی نژاد^۲ :

تقابل اقتصاد آزاد و نهادگرا، اختراع ایرانی هاست ابایی ندارد که لیبرال خوانده شود و همواره از آموزه های اقتصاد نئوکلاسیک دفاع میکند. دکتر موسی غنی نژاد، دانش آموخته اقتصاد توسعه است. او مبانی برنامه اول توسعه پس از انقلاب را درست می‌داند و معتقد است مشکلات بروز کرده در برنامه، که در نحوه اجرای آن بود؛ اعتقادی که همواره از سوی نهادگرایان مورد نقد قرار گرفته است. در این گفت‌گو، ریشه اختلاف نحله های فکری درباره توسعه در ایران را بررسی کردیم.

- توسعه از نظر شما چه تعریفی دارد و چرا این همه درباره این مفهوم نظرات ضد و نقیض در میان کارشناسان وجود دارد؟ من تصور می‌کنم در تعریف توسعه، مشکل چندانی وجود ندارد وقتی می‌گوییم کشوری توسعه یافته است یعنی مردم آن کشور، هم به نسبت گذشته خود و هم نسبت به جوامع دیگر از رفاه و کالاها و خدمات بیشتری بهره مند هستند. بنابراین توسعه در ذات خود، مفهومی تاریخی و نسبی است یعنی در مقایسه دو جامعه با یکدیگر با مقایسه امروز یک کشور با دیروزش و سنجش میزان برخورداری مردم از رفاه و کیفیت کالاها و خدمات دریافتی، می‌توان سطح توسعه یافتگی جوامع را مشخص کرد. این تعریف ساده توسعه است و به این معنا هم مفهوم جدیدی نیست یعنی وقتی آدام اسمیت در کتاب ثروت ملل خود درباره این بحث می‌کند که ملت‌ها چگونه ثروتمند می‌شود، به زبان امروزی می‌گوید چطور کشورها باید وضعیت اقتصادی خود را بهبود بخشند و به توسعه اقتصادی برسند، اما برخی این مفهوم ساده را پیچیده

^۲ موسی غنی نژاد اهری متولد ۱۳۳۰ در تبریز اقتصاددان ایرانی‌ست. او هم اکنون عضو هیات علمی دانشگاه صنعت نفت و استاد مدعو دانشکده اقتصاد و مدیریت دانشگاه صنعتی شریف است.

کرده اند و معانی مختلفی برای توسعه عنوان کرده اند که اکثر اختلافات هم اینجا بروز می کند. به نظر من، اغلب اقتصاددانان بر سر تعریفی که از توسعه ارائه دادم، توافق دارند.

- بر این تعریف می توان این نقد را وارد کرد که تلاش برای دست یافتن به کالاها و خدمات بیشتر و مطلوب تر در دستور کار همه کشورهای جهان قرار دارد، اما فقط تعداد کمی به این هدف رسیده اند. میلیون ها گرسنه و برهنه در سراسر جهان، تناقضات توسعه را اثبات میکنند.

این حرف از لحاظ تاریخی صحیح نیست. امروز همه جوامع نسبت به گذشته خود بیشتر از رفاه مادی و دسترسی به کالا و خدمات بهتر برخوردارند. بنابراین همه کشورها نسبت به گذشته تاریخی خود توسعه یافته اند. اما این واقعیت هم وجود دارد که در حال حاضر، در مقایسه کشورها، سطح رفاه اختلاف چشمگیری دارد و البته تأکید می کنم که این اختلاف به این معنا نیست که برخی کشورها از ۲۰۰ سال تاکنون توسعه را تجربه نکرده اند. بهترین دلیل برای اثبات این حرف، افزایش روزافزون جمعیت دنیاست. در کمتر از ۲۰۰ سال، جمعیت جهان از کمتر از ۱ میلیارد نفر به ۷ میلیارد افزایش یافته است. این نشان میدهد که سطح رفاه در همه دنیا بالا رفته و امید به زندگی بیشتر شده است. تا دو سده قبل، علیرغم نرخ بالای زاد و ولد، جمعیت کشورها به این سرعت زیاد نمی شد، زیرا میانگین امید به زندگی کمتر از ۲۵ سال بود. اغلب والدین شاهد از دست رفتن تعداد زیادی از فرزندان خود بودند. این مرگ و میر نوزادان و کودکان بود که امید به زندگی متولدین را به شدت کاهش می داد اما امروزه در سایه توسعه اقتصادی مرگ و میر نوزادان و کودکان به شدت کاهش یافته و منجر به بالا رفتن امید به زندگی در اقصی نقاط دنیا، گرچه به طور نابرابر، شده است. این واقعیت انکارناپذیر، بهترین دلیل افزایش رفاه در دو سده اخیر در سراسر دنیاست. بنابراین کسانی که نوستالژی گذشته را دارند و می گویند در گذشته فقر و فلاکت کمتر بود، دچار توهماتند که از واقعیت های عینی و گزاره های علمی بسیار دور است.

- یکی از دلایل مخالفت با توسعه در کشور ما، خاستگاه آن است. طبق این باور، توسعه یک مفهوم غربی است که سنت ها را نشانه می رود. ارزیابی شما از این تحلیل چیست؟

این که بگوییم توسعه یک پدیده غربی است بها دادن زیاد به تمدن غرب و نادیده گرفتن سهم جوامع و اقوام بی شمار دیگر است. تصور میکنم که این حرف بیشتر ناشی از ناآگاهی از واقعیت های تاریخی و گزاره های ساده علم اقتصاد است و چندان ارزش بحث کردن ندارد.

این بحث ریشه در جدال سنت و مدرنیته دارد. توسعه محصول مدرنیته، ودین پایه اصلی سنت است و به اعتقاد برخی، این دو هیچ جا جمع نمی شوند. این مناقشه هنوز در محافل روشنفکری ما جریان دارد تا جایی که حتی از به کار بردن واژه توسعه نیز امتناع می شود... این تمایزها بین سنت و توسعه، تمایزهای دلخواهی و من درآوردی است، زیرا اساساً هیچ توسعه ای جز در بستر سنت های یک جامعه محقق نمی شود. توسعه مبتنی بر نوعی منطق سنت است و فرایند توسعه جوامع باید با سنت های آن سازگار باشد وقتی شما جامعه ای را مشاهده می کنید که به وضعیت باثبات و صلح آمیز در عرصه اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی رسیده، مطمئن باشید سنت های حسنه حاکم بر آن جامعه در خدمت توسعه قرار گرفته است. سنت البته یک مفهوم بسیار کلی و عام است و آداب و رسوم و عقاید و باورها و ارزش ها را در بر می گیرد که بعضاً با هم تناقضاتی هم دارند. جوامع توسعه یافته، توانسته اند این تناقضات را حل کنند و بستر مناسب پیشرفت را فراهم آورند. من نمی دانم کسانی که واژه تعالی را جایگزین توسعه کرده اند، چه منظوری از جامعه متعالی دارند؟ اگر منظورشان بازگشت به گذشته است که این حرف بسیار ارتجاعی و بی معناست. انسانی که نتواند احتیاجات اولیه خود را برآورده کند، حتماً نمی تواند نیازهای معنوی خود را هم برطرف کند و شرط لازم برای توجه به امور متعالی، پاسخ دادن به نیازهای اولیه انسان است. در واقع، این دو در مقابل هم نیستند، در امتداد هم هستند باید مشخص کنیم که منظور از جامعه متعالی چیست؟ اگر در این جامعه رفاه مادی وجود دارد، ابزار آن استفاده از همان علمی است که جامعه بشری در طول سالیان متمادی به آن دست یافته است.

- شما هم به عنوان یک اقتصاددان لیبرال، از نقش سنت ها در توسعه سخن گفتید، چیزی که مورد تأکید نهادگرایان است. این سوال پیش می آید که پس اختلاف پارادیم ها در مورد توسعه از کجا ناشی می شود؟

شما دو مفهوم را در مقابل هم قرار می دهید که در جهان واقعی هیچ تقابلی ندارند و فقط در ایران در مقابل هم هستند. نهادگرایی یک مکتب فکری در اقتصاد مدرن است که توضیح می دهد پیشرفت کشورها بر اساس و مبنای کدام نهادها صورت گرفته است این مکتب هیچ اختلافی با اقتصاد آزاد و رقابتی ندارد و بزرگترین نمایندگان نهادگرایی مانند نورث، بکر و کوز بر مبنای اقتصاد آزاد تأکید دارند. تقابل این دو مکتب فکری، از اختراعات نهادگرایان وطنی ماست. معلوم نیست این دوستان از چه حرف می زنند. ببینید عده ای از جامعه

شناسان که اقتصاد نمی دانستند، ایده های کارل پولانی^۲ را به عنوان گزاره های نهادگرایی مطرح کردند. در حالی که داستان پولانی، اصلاً چیز دیگری است و ربطی به اقتصاد نهادگرا ندارد. کاری به درستی یا نادرستی ایده های پولانی ندارم، اما میگویم که نباید سخنان او به نام اقتصاد نهادگرا طرح شود و اگر کسانی چنین کنند، نسبت به علم روز اقتصاد دنیا، نادان اند. به هر حال، تمایز و تقابل اقتصاد آزاد و اقتصاد نهادگرا همانطور که گفتم هیچ اصلتی ندارد و مختص کشور ما است.

- شما می گویند این اختلافات، مختص ایران است و در دنیا چنین مناقشاتی وجود ندارد؟

چرا در دنیا هم نقدهایی بر اقتصاد آزاد مطرح شده اما نه به نام اقتصاد نهادگرا، این ایده که توسعه افسون غربی است، عموماً توسعه چپ ها و مارکسیست ها یا طرفداران ایدئولوژی های جهان سومی مانند سمیر امین^۳، گوندرفرانک و امثالهم طرح شده است، نه اقتصاددانان نهادگرا این ها نظریه های جدیدی هم نیست و ۵۰ سال سابقه دارد و من در حیرتم که چرا تلاش می شود این ایده ها به عنوان نهادگرایی در ایران مطرح شود؟

- چرا علیرغم بیش از ۵۰ سال سابقه برنامه ریزی برای توسعه به اهداف آن برنامه ها دست نیافته ایم و با کشورهای توسعه یافته فاصله داریم؟

عقب ماندگی ایران ربطی به برنامه ریزی برای توسعه ندارد و ریشه های تاریخی فرهنگی و سیاسی و اجتماعی دارد. این پدیده پیچیده را نمی توان بایک علت توضیح داد. اما واقعیت این است که ما در صد ساله اخیر پیشرفت های چشمگیری در ایجاد زیرساخت های مادی داشته ایم و درجا نزنده ایم. ایران امروز با ایران صد سال پیش زمین تا آسمان فرق دارد. ترکیب جمعیت، شهرنشینی، میزان باسوادی و... را اگر بخشی از معیارهای توسعه بدانیم، نمی توانیم بگوییم ما حرکت مثبتی در این سالها نداشته ایم. آنچه باید به دقت مورد بررسی قرار بگیرد این است که چرا ما توسعه مورد انتظار رانداشته ایم. یعنی مثلاً خود را با ترکیه و کره جنوبی مقایسه کنیم و ببینیم چرا این کشورها که ۶۰ سال پیش از ما عقب مانده بودند، امروز از ما پیش افتاده اند.

- خودتان این سوال را پاسخ دهید.

^۲ کارل پاول پولانی (Karl Polanyi)؛ متولد ۲۵ اکتبر ۱۸۸۶، مورخ اقتصادی، انسان‌شناس اقتصادی، اقتصاددان سیاسی، جامعه‌شناس تاریخی و فیلسوف اجتماعی یهودی، مجارستانی بود. وی بیشتر برای مخالفت با تفکر اقتصادی سنتی و همچنین نوشتن کتاب «دگرگونی بزرگ» شناخته شده است.
^۳ سمیر امین (Samir Amin) زاده ۳ سپتامبر ۱۹۳۱ در قاهره، مصر اقتصاددان مصری و از نظریه پردازان مشهور توسعه به ویژه در حوزه آفریقا است که در داکار پایتخت سنگال زندگی می‌کند.

دلایل متعددی دارد این عقب ماندگی، اما به نظر من مهمترین دلیل را باید در اندیشه ایرانیان جست، به نظر من این تفکر جمع گرایانه ناسیونالیستی و سوسیالیستی که در ۷ دهه گذشته در ایران حاکم بوده، مانع اصلی پیشرفت ما است این تفکر باعث شده ما یک اجتماع انزواطلب بیگانه ستیز داشته باشیم. در اقتصاد هم اندیشه های چپ گرایانه مانع رشد مالکیت خصوصی، تجارت آزاد و بنگاه داری در ایران شده است. به نظر من این طرز تفکر و شیوه اندیشه باعث شده که ما به توسعه مورد انتظار نرسیم. به لحاظ عینی هم می توان گفت درآمدهای بادآورده نفتی از دهه ۱۳۵۰، اقتصاد ما را از مسیر کمابیش مناسبی که در دهه ۴۰ داشت، منحرف کرد. درآمدهای بادآورده نفتی اقتصاد ما را دولتی تر کرد و در دولت رانیتری پدید آورد که درصد تحکیم قدرت خود با توزیع درآمد نفتی و راضی نگه داشتن مردم بود. این ها در مجموع مهمترین دلایل عقب ماندگی ما از نظر من است.

- شما از دست اندرکاران برنامه اول پس از انقلاب بودید. در آن برنامه، برای خصوصی سازی و کاهش وابستگی دولت به نفت اهدافی تعیین شده بود که محقق نشد. چرا؟
من هیچ گاه در هیچ دستگاه دولتی کار اجرایی نکرده ام و این البته هیچ فضیلتی نیست ولی واقعیت است. اما اگر پرسش شما مربوط به تحولات اقتصادی سال ۶۸ است می توانم به عنوان ناظر و تحلیل گر پاسخ دهم.
- بله.

در آن فضا، وقتی ایده های آزادسازی اقتصادی و تقویت بخش خصوصی مطرح شد، آن سیاست ها هم از طرف چپ ها و هم از طرف راست ها مورد حمله قرار گرفت تا جایی که این برنامه را در قدم های اول متوقف و در واقع فلج کرد. این داستان هنوز هم ادامه دارد و به رغم آن که در بیست سال گذشته دیگر کسی از اقتصاد دولتی و سوسیالیستی دفاع نمی کند، اما شاهدیم که دولت ها علاقه ای به کنار کشیدن از عرصه اقتصاد ندارند. بنابراین مشکل از ایده های مطرح شده در برنامه اول نبود مشکل این بود که ایده ها نتوانست پیاده شود.

شما درباره اندیشه سوسیالیستی- ناسیونالیستی در ایران سخن گفتید. منظورتان را بیشتر توضیح می دهید؟
به اعتقاد من باورهای سوسیالیستی و ناسیونالیستی در ایران به دلایل مختلف ریشه دار شده است و تا این گره در اندیشه ایرانی باز نشود، ما به وضعیت آرمانی جامعه ایران که رشد مستمر و توسعه پایدار است، نخواهیم رسید و همچنان افتان و خیران و با آزمون و خطا ادامه خواهیم داد. به عبارت دیگر، ما هنوز گرفتار ایدئولوژی های سوسیالیستی و ناسیونالیستی بیگانه ستیز هستیم که انرژی و

امکانات ما را به هدر می برد. نکته مهم این است که تلاش برای بیرون رفتن از دام مشکلات فکری، باید توسط اهل فکر و اندیشه و نخبگان جامعه صورت بگیرد. آنان می توانند شاکله فکری نظام سیاسی و اقتصادی ما را اصلاح کنند. تأکید می کنم که برای توسعه یافتن، جامعه ما باید گره های فکری خود را باز کند، زیرا تا اندیشه اصلاح نشود، سیاست گذاری درست صورت نخواهد گرفت بنابراین در شرایط فعلی، فقط می توان به دولت در موارد خاص توصیه هایی کرد که بر فرض برای جلوگیری از تورم با بیکاری چه باید بکند. این توصیه ها هم به علت فقدان بینش صحیح و جامع اقتصادی سیاستمداران به درستی اجرا نخواهد شد. یعنی درغیاب یک الگوی فکری درست نمی توان به توسعه دست یافت. باید بپذیریم که راه پیشرفت اقتصادی، اقتصاد رقابتی است و تا صاحبان قدرت به این نتیجه نرسند، از هر میزان حسن نیت هم که برخوردار باشند، قادر به هدایت جامعه به توسعه اقتصادی پایدار نخواهند بود.

۲-۱-۳. محمدستاری فر° :

علت اصلی توسعه نیافتگی ایران، نهاد قدرت است.
رسول رئیس جعفری

ریاست بر سازمان مدیریت و برنامه ریزی و معاونت رئیس جمهور در دوره اصلاحات کافی بود تا محمدستاری فر را در دوران مهرورزی بازنشسته کند. بحث با دکتر ستاری فر از نظریه های توسعه آغاز شد، اما با توجه به سوابق وی، به حوزه اجرا نیز رسید. او اعتقاد دارد نگاه حاکمیتی به مقوله برنامه ریزی و بالتبع توسعه با اشکالات فراوان همراه است و تا این نگاه اصلاح نشود توسعه ایران ممکن نخواهد بود.

علم توسعه، چرا و چگونه شکل گرفت؟

پاسخ به این سوال در فرصتی کوتاه ممکن نیست، اما به اجمال می توان نقاط عطف شکل گیری علم توسعه را بیان کرد. به نظر من اولین کسی که در ۲۰۰ سال اخیر، درباره توسعه صحبت کرد آدام اسمیت است

°محمدستاری فر؛ در سال ۱۳۳۲ هجری شمسی در اصفهان به دنیا آمد و پس از پایان مقطع ابتدایی و متوسط راهی آمریکا شد و در رشته اقتصاد با گرایش برنامه ریزی و توسعه در یکی از دانشگاه های این کشور مشغول به تحصیل شد. محمد ستاری فر به مدت ۴ سال و نیم معاون و قائم مقام سازمان برنامه و بودجه در دولت میر حسین موسوی را برعهده داشت و چند سال نیز رئیس هیئت مدیره و مدیرعامل سازمان تامین اجتماعی بود. آخرین مسئولیت اجرایی وی، نشستن بر کرسی ریاست سازمان مدیریت و برنامه ریزی به مدت سه سال و نیم در دولت هشتم بود. ستاری فر هم اکنون عضو هیئت علمی دانشکده اقتصاد علامه طباطبایی بوده و مشغول به تدریس است.

در کتاب مهم «ثروت ملل»، او البته از واژه توسعه یا development استفاده نکرده، اما مضامین کتابش پاسخ، به این سوال است که چگونه می توان یک کشور را به توسعه رساند. من این کتاب را چند بار و عمیق مطالعه کرده ام و معتقدم اسمیت تنها درباره توسعه اقتصادی هم حرف نزده و به توسعه اجتماعی و فرهنگی و سیاسی هم معتقد بوده است. او فرزند رنسانس است و در کشوری زندگی می کرده که سطحی از پیشرفت را تجربه کرده بود. اسمیت برنامه ای به فرماندار ایرلند می نویسد این منطقه برای توسعه احتیاج به کارخانه یا ذغال سنگ ندارد و بیشتر محتاج قانون و سازمان و مقررات است. او در کتابش ۸۰ بار کلمه «نهاد» و ۳۴ بار کلمه «قانون» را مورد استفاده قرار داده است. باز در همین کتاب می نویسد چینی ها امروز بیش از آنکه به کارگاه و کارخانه نیازمند باشند، به قانون و نهاد نیاز دارند. جان کلام اسمیت این است که یک کشور برای توسعه، به بسترهای مناسب قانونی و نهادی و همچنین آدم هایی که پیش برنده و توسعه گرا باشند، احتیاج دارند. نقطه عزیمت بحث توسعه، ضوابط و موازینی بود که آدام اسمیت مطرح کرد. اما نحله فکری نئوکلاسیک ها که نظریات اسمیت را دنبال می کردند، بیشتر بر اقتصاد تأکید کردند و شرایط مطلوب توسعه را داده شده و در نظر می گرفتند. در واقع نئوکلاسیک ها به نهادها، که مورد تأکید اسمیت بود، خیلی اهمیت نمی دهند. و در نظر آنان، نهادها وجود دارند و درست کار می کنند. در واقع تا پس از جنگ جهانی دوم، الگوی مسلط در ادبیات توسعه، تحرک اقتصاد و انباشت سرمایه به عنوان موتور توسعه اقتصادی بود. اما پس از جنگ جهانی، هم حیطه نظری و هم تجربیات عملی نارسایی های این الگو را نشان داد. اثبات سرمایه صورت می گرفت، اما توسعه حاصل نمی شد. تا این مقطع، اقتصاددانان به عوامل اقتصادی برای توسعه معتقد بودند، اما در یک تحول علمی، جامعه شناسان، تاریخ دانان، روان شناسان و کارشناسان سایر علوم به کمک اقتصاددانان آمدند و نقش عوامل غیر اقتصادی، بر توسعه را مطرح کردند. در دهه ۱۹۶۰، این نتیجه حاصل شده که توسعه اقتصادی بیش از آنکه به منابع مادی و فیزیکی احتیاج داشته باشد، به نظم، فکر، اندیشه و نهادهای پیش برنده احتیاج دارد. شوماخر تعبیر زیبایی دارد که می گوید توسعه از منابع مادی شروع نمی شود. بلکه از انضباط و سامان و تربیت آدمیان آغاز میشود. در دهه ۷۰ میلادی، تقریباً این نظر در بین همه اقتصاددانان پذیرفته می شود که نقش عوامل غیر اقتصادی از عوامل اقتصادی در توسعه پررنگ تر است. باز در دهه ۱۹۸۰ میلادی، نارسایی ها در توسعه کشورها بروز می کند که علمای اقتصاد را به این نتیجه می رساند که توسعه بدون توجه به نهاد قدرت، حاصل نمی

شود. تا همین امروز هم اندیشه و توسعه مدام با تحول روبه رو بوده و به عنوان مثال مسائلی چون توجه به پیشینه تاریخی، مسائل زیست محیطی و... هم به عنوان عوامل موثر بر توسعه تلقی می شوند. امروز، به تجربه ثابت شده که توسعه یک مفهوم چند وجهی در قلمرو حوزه های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی است. در حال حاضر کارشناسان توسعه بیش از همیشه بر نقش نهادها در توسعه تأکید دارند و اگر به فهرست برندگان نوبل اقتصاد در چند سال اخیر نگاهی بیندازیم، متوجه می شویم که بیشتر برندگان کسانی اند که بر نقش عوامل غیر اقتصادی تأکید دارند. بر این اساس می توان گفت هدف توسعه، آزادی و عدالت و رشد و ابزار آن عقلانیت و تدبیر است.

- این تعریف در کدام چارچوب نظری قرار دارد؟ نهادگراست یا نئوکلاسیک؟

آنچه گفتم تعریفی جامع از توسعه ایست که در چارچوب هر دو نظریه قرار میگیرد. یعنی امروز در تعاریف بانک جهانی و صندوق بین المللی پول، مقیاس هایی که برای سنجش توسعه کشورها مورد استفاده قرار میگیرد. مربوط به یک نحله فکری نیست. همانطور که اشاره کردم نتیجه تجربیات جهانی، این بوده که توسعه یک مفهوم چند وجهی است. در واقع همه نحله های فکری به یک هم گرایی درباره توسعه رسیده اند. شما نمی توانید یک خط بکشید و بگویید نهادگراها، این سو و نئوکلاسیک ها آن سو قرار می گیرند. در واقع کلاسیک ها و نئوکلاسیک ها هم منکر تأثیر نهاد بر عملکرد اقتصادی نبودند، اما وجود نهاد را جزء مفروضات می دانستند.

- اما روش شناسی علوم مهم است.

البته! بحث قبلی ما درباره تعریف توسعه بود و من جامع تعاریف توسعه را ارائه دادم. منکر اهمیت روش شناسی نیستم و اگر از من بپرسید که کدام نحله، نگاه متکامل و جامع تری به توسعه دارد، می گویم نحله فکری نهادگرا.

- چرا؟

روش شناسی نهادگرا، تبیین کامل تر، با کفایت تر، فراگیر تر، و همه جانبه نگری از مسائل توسعه ارائه می دهد. تبیین نهادگرا از توسعه می گوید این مهم نیازمند چهار سطح آمادگی است؛ سطح نخست بدنه اجتماعی شامل فرهنگ ها، سنت ها و باورهای جامعه است که البته همه را نیز مناسب نمی داند و می گوید باید پالایش شود. سطح دوم، بدنه قانونی و نهادی است؛ این که ظرفیت قوانین چگونه است و چقدر در میان مردم پذیرفته شده اند. می گویند اگر کشوری می خواهد در مسیر توسعه قرار بگیرد، الزاماً باید بین سطح اول و سطح دوم، رابطه کامل و منطقی برقرار باشد. به عبارت دیگر قانون و

نهادهای قانونی وقتی درست عمل می کنند که از دل فرهنگ و باورهای مردم استخراج شده باشند. سطح سوم در تبیین نهادگراها، سازمان و تشکیلات و دولت قرار می گیرد. در واقع حوزه اجرا، وقتی توسعه گرا خواهد بود که بدنه اجتماعی و ظرفیت های نهادی در تعامل با هم شکل گرفته و درست عمل کنند. سطح چهارم نیز پیامدهاست که در حقیقت حاصل پیوند درست سه سطح دیگر است و به رشد، اشتغال، تولید بیشتر و در واقع توسعه پایدار می انجامد. اما دیدگاه نئوکلاسیک فقط به همین سطح آخر یعنی پیامدهای توسعه نگاه میکند و کمتر بدنه اجتماعی، ظرفیت های قانونی و انسجام سازمانی را در نظر می گیرد، غافل از اینکه پیامدها فقط وقتی مناسب توسعه خواهد بود که آن سه سطح دیگر درست کار کند.

...

**جهت دریافت هرگونه رساله و مطالعات
معماری با قیمت پایین با ما تماس بگیرید.**

۰۹۹۰۷۵۳۰۹۲۰